

نه دهم فعالیت های ما برای انقلاب در اسپانیا

درباره ی گروه مورین در کاتالونیا و اپوزیسیون چپ

شستن این تصور به اذهان کارگران کاتالونیا، اسپانیا و کل جهان که گویی ما وجه اشتراکی با سیاست «فدراسیون کاتالونیا» داریم، یا مسئولیتی در قبال آن متوجه ما است، یا دست کم ما به فدراسیون نزدیک تر هستیم تا به گروه بندی سانتزیست، مضرتترین، خطرناک ترین و حتی فاجعه بارترین تصور است. استالینیست ها با تمام توان خود موضوعات را به این شکل معرفی می کنند. تا به الآن ما با قدرت کافی به مبارزه علیه این برنخاسته ایم. زدودن این سوء برداشت ها که به شدت ما را تنزل می دهد و مانعی بر سر راه تکامل کارگران کاتالونیا و اسپانیا است، بیش از پیش مهم و اضطراری است.

مطمناً تقبیح فدراسیون کاتالونیا، وظیفه ای است که در وهله ی نخست بر دوش هواداران ما در خود کاتالونیا می افتد. آن ها می بایست با یک نقد روشن، علنی و دقیق وارد شوند، نقدی که از کنار هیچ چیز خط مشی سیاسی مورین، معجون تعصبات خرده بورژوازی، جهل، «سکوت» کوتاه بینانه و رذالت سیاسی، با سکوت نمی گذرد.

فدراسیون در انتخابات

در انتخابات کورتس، فدراسیون تنها نزدیک به ۱۰ هزار رأی آورد. این زیاد نیست. اما در عصر انقلابی، یک سازمان واقعاً انقلابی قادر به رشد سریع است.

با این حال شرایطی وجود دارد که وزن این ۱۰ هزار رأی را کم می کند: در انتخابات کورتس، فدراسیون کاتالونیا آرای کم تری نسبت انتخابات شهرداری در بارسلون، یعنی در مهم ترین مرکز انقلابی، کسب کرد. این واقعیت، که در نگاه اول ناچیز به نظر می رسد، از زاویه ی علامت تشخیص بیماری، اهمیت فوق العاده ای دارد. این واقعیت نشان می دهد در همان حال که در دورافتاده ترین اکناف کشور جریانی از کارگران-هرچند ضعیف- به سوی فدراسیون آشکار شده است، اما در بارسلون، سردرگمی مورین کارگران را نه جذب، بلکه دفع می کند. البته، ورشکستگی اجتناب ناپذیر «ماسیا»، شاید حتی به مورین، به عنوان رتبه ی دوم ورشکستگی، کمک کند. اما سستی رهبری حاضر فدراسیون، کاملاً با انتخابات کورتس نمایش داده می شود: به راستی «استعداد» ویژه ای طلب می کند که کسی چنان به نبوغ خود فشار بیاورد که با گذشت سه ماه از انقلاب، نتوانسته باشد نفوذش را در بارسلون بالا ببرد!

به زبان سیاست انقلابی، فدراسیون معرف چیست؟ آیا یک سازمان کمونیستی است؟ و دقیقاً چه نوعی؟ راست، میانه یا چپ؟ تردیدی نیست که آن ها کارگران انقلابی و کمونیست های بالقوه ای هستند که به فدراسیون رأی می دهند. اما تا به الآن ذهن شفافی نداشته اند. اما اگر این کارگران تحت رهبری افراد سردرگم هستند، پس این شفافیت از کجا باید بیاید؟ تحت این شرایط، راسخ ترین، بارزترین و پیگیرترین کارگران می بایست الزاماً به جانب حزب رسمی حرکت کنند. این حزب تنها ۱۷۰ رأی در بارسلون و تقریباً ۱ هزار رأی در کل کاتالونیا داشت. اما نباید تصور کرد که این ها بدترین عناصر هستند. برعکس، اکثر این عناصر، شاید با ما باشند و زمانی که پرچم خود را برافرازیم، با ما خواهند بود.

در آغاز انقلاب ۱۹۱۷، اکثریت سازمان های سوسیال دموکرات خصلتی التقاطی داشتند، به طوری که بلشویک ها، منشویک ها و سازشکاران و غیره را در صفوف خود جای می دادند. گرایش به وحدت، در کنفرانس اواخر ماه مارس حزب بلشویک بسیار قوی بود، به طوری که استالین پیش از رسیدن لنین، خود را مدافع وحدت با منشویک ها اعلام کرد. برخی سازمان های محلی تا زمان انقلاب اکتبر، این التقاط را حفظ کردند. من فدراسیون کاتالونیا را نوعی سازمان التقاطی مشابه تصویر می کنم، یک سازمان نامعینی که بلشویک ها و منشویک های آتی را در خود دارد. از این نظر، سیاستی است که در جستجوی معرفی نوعی تمایز سیاسی به صفوف فدراسیون باشد، موجه است. گام نخست در این مسیر، عبارت است از تقبیح سیاست مبتذل «مورینیزم». در این جا باید بیرحم بود. مقایسه ی فدراسیون کاتالونیا با سازمان های متحد روسیه، با این حال مستلزم محدودیت هایی اساسی است. سازمان های متحد روسیه، هیچ از یک گروه های سوسیال دموکراتیک موجود را مستثنی نمی کرد. همه ی آن ها حق مبارزه برای عقاید خود را در درون سازمان واحد داشتند. اما موضوع در فدراسیون کاتالونیا کاملاً متفاوت است. در این جا، «تروتسکیزم» در فهرست ممنوعه است. تمامی کسانی که به سردرگمی دامن می زنند، حق دفاع از پراکندن سردرگمی را در آن جا دارند، اما بلشویک-لنینیست ها نمی توانند صدای خود را آشکارا به گوش دیگران برسانند. بنابراین، این سازمان که به طور گلچین شده ای متحده شده، از همان بدایت امر، حد و مرز خود را با جناح چپ ترسیم کرد. اما درست از همین رو، به یک بلوک پُرهرج و مرج از گرایش های سانتریست و راست تبدیل می شود. سانتریزم می تواند به چپ یا راست حرکت کند. سانتریزم فدراسیون کاتالونیا که جناح چپ را در طی انقلاب

رد می کند، محکوم به نابودی خفت باری است. وظیفه ی اپوزیسیون چپ، تسریع این نابودی با نقد بیرحمانه ی خود است.

وحدت به سبک مورین

اما رویداد دیگری هم هست که اهمیت فوق العاده ای باید برای آن در نظر داشت. فدراسیون کاتالونیا رسماً خواهان وحدت تمامی سازمان ها و گروه بندی های کمونیست است. مشخص است که پایه ها، صادقانه و وفادارانه مایل به این وحدت هستند، اگرچه انواع و اقسام توهمات را به این شعار دارند. ما کاملاً با این توهمات بیگانه هستیم. ما برای وحدت می جنگیم؛ چرا که در چهارچوب یک حزب متحد، امید داریم که کار مترقی مرزبندی ایدئولوژیک را بر مبنای پرسش ها و وظایفی که نه از خلأ، بلکه از تکامل خود انقلاب اسپانیا نشأت می گیرند، با موفقیت هدایت کنیم. اما ما مبارزه برای وحدت کمونیست ها را به هر شکل حمایت می کنیم. شرط اساسی برای این وحدت، برای ما برخورداری از حق امکان روشن کردن شعارها و نظراتمان در چهارچوب این سازمان متحد است. ما می توانیم و باید وفاداری کاملی را در این مبارزه متعهد شویم، اما شرط اصلی از همان آغاز به دست خود فدراسیون نابود شد: فدراسیون در همان حال که زیر پرچم اتحاد مبارزه می کند، بلشویک-لنینیست ها را از صفوف خود ممنوع می کند. تحت این شرایط، حمایت از نقش رهبری فدراسیون کاتالونیا در مبارزه برای وحدت حزب کمونیست از سوی ما، بزرگترین مضحکه خواهد بود. در کنگره ی وحدت، مورین خود را آماده می کند که نوازنده ی اول ارکستر باشد. آیا می توانیم این ریاکاری تهوع آور را با سکوت تحمل کنیم؟ مورین در مبارزه علیه اپوزیسیون چپ، از بوروکراسی

استالینیستی تقلید می کند تا رضایت آن ها را جلب کند. در واقع او به استالینیست ها می گوید: موهبت ها و مهم تر از همه کمک هزینه هایتان را به من بدهید، من هم به شما قول می دهم که نه از ترس، بلکه به خاطر ایمان قلبی، با بلشویک-لنینیست ها مبارزه کنم.

روش متحد کردن مورین، تنها شکلی از باجگیری از استالینیست ها است. اگر قرار بود در این باره سکوت کنیم، انقلابی نمی بودیم، بلکه آلت دست منفعل این باجگیری سیاسی می شدیم. ما باید بیرحمانه نقش مورین، یعنی این شارلاتانیسم او زیر نام «وحدت» را نقد کنیم، بدون آن که لحظه ای مبارزه ی خود را برای وحدت حقیقی صفوف کمونیست ها تضعیف کنیم، بدون آن که مبارزه ی خود را برای گرد آوردن صفوف کمونیستی به زیر پرچم خود پایین بیاوریم.

نُه دهم کار چپ بین المللی، باید امروز روی اسپانیا متمرکز شود. همه ی مخارج باید محدود بشود تا امکان یک هفته نامه به اسپانیایی و انتشارات ادواری به زبان کاتالان را داشته باشیم، در عین حال جزوات را در شمار بالا منتشر کنیم. باید تمامی هزینه ها برای سایر اهداف را بدون استثنا محدود کرد تا بتوانیم بیش ترین کمک را در اختیار اپوزیسیون اسپانیا قرار دهیم.

به اعتقاد من، دبیرخانه ی بین المللی باید نُه دهم نیروهای خود را به مسائل انقلاب اسپانیا اختصاص دهد. باید فراموش کنیم که در جهان «لاندو»هایی وجود دارند. باید به تمامی مشاجرات، تمامی دسیسه ها و دسیسه چینان پشت کنیم، بدون آن که حتی دقیقه ای را صرف آن ها کنیم. شماره ی بعدی یولتن انترسیونال باید تماماً به انقلاب اسپانیا اختصاص داده شود. باید هم چنین

شماری تمهیدات تشکیلاتی را هم اجرا کنیم. برای این کار هم آدم اش را می خواهیم و هم ابزارش را. هر دو را باید یافت.
هیچ جنایتی بالاتر از اتلاف وقت نیست و نمی تواند باشد.

تروتسکی

قاضی کوی (ترکیه)

۸ ژوئیه ۱۹۳۱

میلیتانت، جلد ۴، شماره ی ۱۷، ۱ اوت ۱۹۳۱

ترجمه: آرام نوبخت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۵